



• گزارش تصویری مرتبط

چهارمین دادگاه رسیدگی به اتهامات متهمان پرونده کودتای مخملی - 2

متن کامل کیفرخواست عمومی گروهی از متهمان پرونده کودتای مخملی

خبرگزاری فارس: متن کامل کیفرخواست عمومی گروهی از متهمان پرونده کودتای مخملی که به ایجاد آشوب و اغتشاش پس از انتخابات اخیر پرداخته‌اند در سومین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات آنان منتشر شد.

به گزارش خبرنگار سیاسی خبرگزاری فارس سپهری معاون دادستان تهران متن کیفرخواست عمومی گروهی دیگر از متهمان پرونده کودتای مخملی را در چهارمین دادگاه رسیدگی به اتهامات این متهمان قرائت کرد. متن کیفرخواست به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله سبحانه و تعالي:

"و اذا قيل لهم لا تفسدوا في الارض قالوا انما نحن مصلحون الا انهم هم المفسدون ولكن لا يشعرون"
"سوره بقره آیه 11"

متن ادعای نامه دادستانی تهران علیه برخی طراحان و محرکین آشوبهای اخیر

ریاست محترم شعبه 15 دادگاه انقلاب اسلامی تهران

سلام علیکم؛

همانگونه که مستحضرید حماسه پرشکوه و بی نظیر بیست و دوم خرداد که به همت چهل میلیون ایرانی بصیرو فهیم رقم خورد، با شکستن نصاب حداکثری حضور يك ملت در صحنه سیاسی و تعیین سرنوشت در عرصه جهانی شگفتی ساز شد و سرمایه ای عظیم و ماندگار برای ملت ایران فراهم ساخت.

مشارکت پرشور ملت پس از يك رقابت گسترده و پرهیجان تبلیغی در آرامش کامل و بدون هیچ حادثه سوء امنیتی، دستاورد بسیار بزرگی برای ملت ایران بود و بیانگر ثبات و امنیت بالای جمهوری اسلامی ایران و بهترین زمینه را برای شکوفایی اقتصادی و جلب سرمایه گذارها به کشور فراهم می ساخت. دستاورد دیگر این حضور گسترده مردمی منتفی شدن تهدیدات نظامی دشمنان و مایوس شدن آنان از هر گونه تجاوز نظامی به حکومتی با پشتوانه 85 درصدی آراء مردم بود.

این انتخابات در عرصه سیاسی، موقعیت و نقش ایران اسلامی را در چالش ها و تعاملات و مذاکرات بین المللی بطور محسوس و تعیین کننده ای ارتقاء بخشید .

با کمال تأسف شاهد بودیم که جریانات قدرت طلب و منحرف در تقابلی آشکار با آراء اکثریت ملت، رودروی نظام ایستاده بر خلاف خواست 40 میلیون ایرانی رشید که انتظار داشتند پس از این حضور شکوهمند از نتایج شیرین آن بهره مند شوند، برخی گروههای سیاسی ناکام با همکاری رسانه های

گروههای خبری

صفحه اصلی

عناوین کل اخبار

اخبار برگزیده

اجتماعی

اقتصادی

بین الملل

سیاسی

صفحه اصلی گروه

تیترا اخبار

احزاب و تشکلهای

امنیتی و دفاعی

انتخابات

دولت

فقه قضائیه

مجلس

سایر حوزه ها

فرهنگی

ورزشی

استانها

عکس

صوت و تصویر

سیاست خارجی

دیدگاه

گفتگو

اخبار ویژه

فضای مجازی

کودتای مخملی

سایر خدمات

جستجو

ارتباط با ما

سخن ما

پیوندها

تلفات و سلامت

معاند عربی و سفارحانه دستورهای اسعمری با برهم زدن اوضاع و سوء استفاده از عواطف و احساسات بعضی از هواداران فرصت طلب برخی کاندیداهای ناکام، دستاوردهای ملت را به آتش کشیدند و با خدشه دار نمودن حیثیت ملی، زیباییهای شگفت انگیز حضور حماسی مردم در موضع اتهام سلطه گران جهانی قرار گرفت.

ممکن است بعضی تصور کنند که این حوادث يك واکنش طبیعی احساسی با ماهیت انتخاباتی بوده است و گروهی از هواداران پرشور بدون پیش بینی قبلی تحت تاثیر عواطف خود به خیابان آمده اند. اما تحقیقات نشان می دهد هر چند اکثریت افرادی که در دو سه روز اول انتخابات به خیابانها آمدند و دست به اعمال غیر قانونی زدند انگیزه‌ی خاصی جز اعتراض به نتایج انتخابات نداشته و رفتارشان واکنش احساسی به نتیجه انتخابات بود. اما بدون شك حساب گروههای محرك و طراح این حوادث و پیاده نظام تخریب گر، که از هر اجتماع اعتراض آمیزی برای ایجاد رعب و وحشت، آتش افروزی و برهم زدن امنیت شهر سوء استفاده می کنند از حساب هواداران پرشوری که دچار اشتباه شده بودند کاملاً جداست و مقاصد طراحان آشوب ها و تخریب گران با انگیزه هوادارانی که دچار خطا شدند و با روشن شدن ابعاد مسئله و اثبات واهی بودن ادعای تقلب در انتخابات خیلی زود خود را از این جریان باطل کنار کشیدند کاملاً متفاوت است.

این موضوع که انگیزه محرکین و طراحان آشوب ها و تخریب گران با هوادارانی که دچار خطا شده اند کاملاً متفاوت بوده است، يك تحلیل بر مبنای حدس و گمان نیست. بلکه با تحقیقات و بررسی های بعمل آمده با قطع و یقین می توان گفت طراحان این توطئه قصدي فراتر از انتخابات داشته و اندیشه کودتای نرم علیه نظام با سوء استفاده از فضای رقابت های انتخاباتی را در سر می پروراندند.

در ریشه یابی این حوادث تلخ به شکل گیری شایعه تقلب که به گونه های کاملاً مشکوک همزاد بحث های انتخاباتی طرح گردید و از حدود یکسال پیش از انتخابات به آن دامن زده شد بر می خوریم. شایعه ای که سنگ زیر بنای آشوب های اخیر گردید و گزارش منابع موثق و اعترافات متهمین که کاملاً مستند و قابل ارائه به دادگاه است موبد این موضوع می باشد.

با وجود هشدارهای مسئولین عالی رتبه نظام برخی احزاب از قبیل حزب مشارکت، سازمان مجاهدین انقلاب و کارگزاران کماکان راه قبلی را ادامه داده و با وجود اینکه همه می دانند امکان تقلب باوجود سازو کارهای مردمی و قانونی وجود ندارد. این احزاب برای نهادینه کردن این شایعه و باوراندن هرچه بیشتر آن به مردم با بدعت گذاری، کمیته موسوم به صیانت از آراء را در راستای ترویج شایعه تقلب در انتخابات تشکیل داده و حتی بعضی عناصر آن از بیان ضرورت حضور ناظران خارجی که مخدوش کننده استقلال و حاکمیت ملی مردم ایران است ابایی نداشتند.

آمار اعلامی تمام مراکز معتبر نظرسنجی که به علت دسترسی بالای بعضی سران این احزاب در مسئولیت ها و مراکز مهم پیوسته در اختیار آقایان بود و همگی برتری قابل ملاحظه کاندیدای پیروز را نشان می داد و سپس اختلاف فاحش آراء پس از شمارش دلایل محکمی بود که این جریانها حتی در صورت توهّمات قبلی دست از اصرار بر وجود تقلب بردارند، این جریانها با وجود وضوح عدم امکان تقلب بر ادعای خود اصرار کردند تا زمینه طرح از پیش تعیین شده برای برهم زدن اوضاع کشور از بین نرود.

آقای سعید حجاریان در این زمینه می نویسد:

قبل از انتخابات "آقای گودرزی آماري را از ایسپا آورده بود و حاکی از آن بود که اختلاف آنقدر فاحش است که احمدی نژاد نیازی به تقلب ندارد. اغلب متهمان دیگر هم اظهارات مشابهی دارند و تقلب را از اساس رد می کنند .

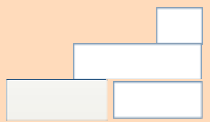
در منطقه قیطریه ستادی تشکیل گردید که منشاء فعالیت های غیر قانونی گسترده، مانند پخش شایعات، تخریب علیه سایر کاندیداها، راه اندازی و هدایت گروههای غیر قانونی و کشیدن آنها به خیابانها، راه اندازی شبکه تلویزیونی غیرقانونی، ارتباط با ایستگاه پخش تلویزیون BBC فارسی و آغازگر و هدایت کننده اغتشاشات و درگیریهای خیابانی شد و نقش اساسی در سوق دادن جریان یکی از

بیتاب

اعلام مشکلات سایت

نسخه های RSS

آرشیو اخبار:



RSS 2.0

تجدیداً به نام به سمت احزابی تری و آشوب دست.

به دنبال پخش برنامه های تلویزیون غیر قانونی که از محل ستاد قیطره منتشر می شد و برخلاف قانون انتخابات حتی در ساعات رای گیری مشغول تبلیغات انتخاباتی بود و بدتر از آن، اینکه ارتباط مستقیمی بین این شبکه و تلویزیون استعماری بی بی سی برقرار شده و عملاً این ستاد را به مجموعه ای تبلیغاتی در اختیار دستگاه تبلیغاتی رژیم انگلیس در آورده بود. ساعت 18:00 روز جمعه 22 خرداد زمانیکه هنوز رای گیری جریان داشت گروهی از ماموران انتظامی برای بستن این شبکه غیر قانونی به محل مراجعه نمودند که با مقاومت و سپس گروگانگیری توسط عوامل ستاد مواجه شدند سپس مسئولان ستاد قیطره با فراخوان هواداران خود که از پیش برای درگیری آماده شده بودند، تلاش کردند راه را بر اعمال قانون توسط ماموران ببندند و این تجمع شروع اغتشاشاتی بود که بسیاری از دستاوردهای امنیت ملی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی این انتخابات شکوهمند را به آتش کشید.

آقای امین زاده در همان شرایط می گوید:

"عهده ای از مامورین اینجا ریخته اند و دارند بازرسی می کنند. خبر این حمله پخش شده چند هزار نفر جلوی ستاد جمع شده اند. خوب شد که اینها آمده اند، احتمالاً پیروزی موسوی اعلام می شود و اینها می توانند به بزرگراه صدر بروند و از آنجا کل اتوبانها تحت تاثیر قرار می گیرد، اگر هم موسوی اعلام نشد حتماً بعنوان اعتراض به خیابانها می ریزیم."

هر چند همین گفته ها و اظهاراتی که قبلاً به نقل از آقای موسوی ذکر شد برای اثبات برنامه ریزی قبلی متهمان برای آشوب و اغتشاش بعد از انتخابات کفایت می کند اما برای احراز بیشتر موضوع به گزارش موثق کاملاً مستندی که در جلسه ساعت 18:00 روز 21 خرداد 88 در محل ستاد قیطره به ریاست آقای امین زاده تشکیل شده اشاره می کنم:

در این جلسه که با ترکیب چند تن از اعضای اصلی یا مرکزیت حزب مشارکت از جمله آقایان تاج زاده، مرتضی مبلغ، شهاب الدین طباطبایی، خانم توحید لو و همچنین مرکزیت سایر احزاب مانند کارگزاران و مجاهدین انقلاب از جمله آقایان عطریانفر، هدایت آقای، عرب سرخی و علی هاشمی و با حضور مسئولان شاخه های جوانان و گروهک های غیر قانونی خود ساخته برای حضور خیابانی مانند ستاد 88 و پویش تشکیل می گردد ابتدا علی هاشمی با ارائه نظرسنجی معجولی که هیچکدام از مراکز معتبر نظرسنجی کشور صحت آنرا نمی پذیرند و مغایرت فاحشی با نظر سنجی های علمی معتبر انجام شده در کشور دارد و بیشتر به يك نظرسازی برای دنبال کردن مقاصد خاص شباهت دارد تلاش می کند اکثریت اعضای جلسه را که جوانان ناپخته و تازه وارد به عرصه سیاسی بوده اند را به اوج هیجان و آمادگی برای درگیری پس از انتخابات برساند. علی هاشمی می گوید: "در مجموع موسوی 18 میلیون و احمدی نژاد 10 - 11 میلیون رای دارد و اگر غیر از این شود حتماً تقلب شده است و باید به يك سری کارهایی دست بزنیم" به دنبال این گزارش های معجول و تحریک شده جوانان حاضر در جلسه که بنابه اقتضای طبع جوانی شور عدالتخواهی بیشتری دارند واکنش های تند و شدیدی را در ساعات پس از رای گیری پیشنهاد می دهند لکن آقای تاج زاده عضو مرکزیت حزب مشارکت با آرام سازی آنان و نفي اجتماعات در شب انتخابات آنرا به روز بعد از انتخابات موکول می کند و اظهار می دارد:

"ما نباید شروع کننده باشیم باید ببینیم موسوی چه می گوید و بر همان اساس اعتراضات را دنبال کنیم."

ارتباط این جمله با اظهارات پیش گفته میر حسین موسوی خود می تواند روشنگر ابعاد هماهنگی ها برای چگونگی هدایت آشوب ها و اعتراضات غیر قانونی باشد.

در چارچوب این اظهارات آقای تاج زاده اولین واکنش رسمی نتایج انتخابات پس از هماهنگی سران اغتشاش صدور بیانیه ای است که پس از اعلام رسمی نتایج انتخابات، حضور شکوهمند 40 میلیون رایزن، آماده آگاه، از انتخابات، در تمام سراسر کشور، به اطلاع مردم رسیده اعلام می نماید و در یک مواجهه

ایرانی، ارباب و اشراف، استبدادی رسوا، و سوسیالیست، پیمس سرخ، بی سند، احزاب بی سبب و سر بی سبب، ای آشکار با آراء مردم ایران، نتایج آنرا نمی پذیرند که این بیانیه حزب و بیانیه های متعدد بعدی که طی آن، انتخابات شکوهمند و حماسه بزرگ ملت ایران را کودتای شعبده بازی انتخاباتی و عناوین وهن آلود دیگر می نامند. مصداق بارز افترا به بخش عظیمی از نهادهای خدمتگزار کشور بوده و علاوه بر آن، نادیده گرفتن شعور و آگاهی مردمی که خود در انتخابات حضور داشته و شاهد عینی ماجرا بوده اند هم هست.

صدور این اطلاعیه غیر قانونی و تحریک آمیز و سایر اطلاعیه ها و اظهارات عناصر حزب مشارکت و گروه های همپیمان که با تبلیغات فشرده و سیل آسای رسانه های غربی و شبکه های ماهواره ای ضدانقلاب بامحتوای واحد و تحریک کننده، هماهنگ شده بود، ضمن تحریک هواداران احساساتی کاندیدای ناکام، بستر و زمینه را برای خرابکاران و آتش افروزان از پیش سازماندهی شده آماده می کند. و با ورود همزمان خرابکاران سازماندهی شده و آمدن هواداران این احزاب و حمله فراگیر به سطل های زباله و ایستگاه های اتوبوس و آتش زدن موتور سیکلت عابران بعضی از خیابانها در شمالغرب تهران، ظرف چند ساعت چهره يك منطقه جنگ زده را بخود می گیرد که آثار این حادثه تلخ در ابعاد امنیت داخلی و لطمه ای که به وجه بین المللی ایران وارد کرده بر کسی پوشیده نیست.

در تحقیقات بعمل آمده از آقای حجاریان در مورد این اطلاعیه وی می نویسد: این بیانیه موجب شد تا عده ای تحریک شوند شعار بدهند بلوا درست کنند، شیشه بشکنند و هر کار غیر قانونی دیگر اغتشاشات را پدید آورند و رسانه ها و بیگانگان موضع گیری و جوسازی کنند.

با وجود اظهارات و اطلاعیه های مکرر مقامات عالی نظام و مسئولان کشور و تاکید بر پیگیری اعتراضات از مسیر قانونی به جای اصرار غیر موجه مبني بر ابطال انتخابات و با وجود آنکه آثار و تبعات مخرب مواضع غیر قانونی این حزب و متحدانش در ابعاد داخلی و خارجی کاملاً مشهود بود، حزب مشارکت مجدداً در تاریخ 25 خرداد 88 با صدور بیانیه ای دیگر انتخابات را کودتا و سناریو از پیش طراحی شده عنوان کرد و خواستار ابطال آن گردید. این حزب علاوه بر این اظهارات خلاف واقع و افتراء به دولت قانونی، با کشیدن هواداران خود به خیابانها، مشارکت در تظاهرات غیر قانونی، در اتفاقات تلخ آن روز که موجب رعب و وحشت مردم و اخلال در آزادی و کسب و کار شهروندان و منجر به کشته و مجروح شدن تعدادی از هموطنان در حمله هواداران به يك پایگاه نظامی در خیابان آزادی تهران گردید نیز سهم شدند.

ریاست محترم دادگاه

این رفتار غیر قانونی و به صحنه کشاندن هواداران برای برخورد با دولت قانونی موضوعی اتفاقی و از سر احساسات ناشی از شکست در انتخابات نبوده بلکه بر اساس اسناد موثق موجود، استراتژی دائمی این حزب آشوبگر می باشد که "فشار از پایین و چانه زنی از بالا" بعنوان شعار محوری که بارها توسط سران آن تکرار شده و در سالهای گذشته کلاً به مرحله اجرا گذاشته شده است. در این راستا ایجاد سازمانها و گروه های غیر قانونی بدون ثبت در وزارت کشور از جمله فعالیت های روسای حزب مشارکت در انتخابات اخیر بوده تشکیلاتی با اقتباس از روش گلد کوئیستی بنام های سازمان رای، موج سوم، گروه 88 از جمله آنهاست.

آقای سعید حجاریان می گوید: "این سازمان به صورت خوشه ای و مانند گلد کوئیست می باشد. طراح آن آقای میردامادی بود و با طرح آن در دفتر سیاسی ما به آن رای دادیم و آنرا تایید کردیم". این حزب بجای پیگیری اصولی خواسته های خود از مسیر های متعارف سیاسی و قانونی، بر استفاده ابزاری از مردم و هواداران برای تحمیل اراده خود به مقامات و دستگاه های قانونی کشور تاکید دارد و این مساله صرفاً يك شعار نیست. تنها مربوط به دورانی که حزب در دولت حضور ندارد، نیست. بلکه این حزب معتقد است حتی زمانیکه دولت را در اختیار داشته باشد می باید از فشار های توده ای برای تحمیل خواست خود به سایر بخش های حاکمیت بهره گیرد. در بند سه گام سند راهبرد حزب آمده است:

"بخش مردم سالاری حاکمیت در بهره گیری از فشارهای توده ای برای رسیدن به سازش، استقلال عمل قابل ملاحظه‌ای پیدا کند."

این نظریه ناهنجار و منافقانه که بازی همزمان در دو نقش دولت حاکم و نیروی معارض است و حاکی از کنار گذاشتن اخلاق انسانی در عرصه سیاسی است و طرح راهبردهایی مانند "خروج از حاکمیت"، "حاکمیت دوگانه"، "انسداد سیاسی"، "نافرمانی مدنی" و "مقاومت فعال" توسط جریان‌هایی که دولت حاکم و مجلس را توأم در اختیار داشت آنرا چیزی جز نفاق نمی‌توان نامید. پیش از این نیز بارها از سوی حزب به مرحله اجرا گذاشته شد و حتی در سالهایی که دولت برآمده از دیدگاه‌های حزب مذکور بر سر کار بوده است با راه اندازی تجمعات خیابانی ناآرام و غیر قانونی خسارات جانی، مالی و حیثیتی را موجب گردید. نمونه دیگر آن جریان تحصن در مجلس ششم بود که حزب تلاش فراوانی برای به صحنه کشاندن مردم برای مقابله با تصمیمات قانونی نهادهای مسئول کرد که با بی‌اعتنایی مردم به جایی نرسید.

از آنجا که حزب مشارکت فاقد پشتوانه مردمی بود و هواداران زیادی نداشت تا با به صحنه آوردن آنها به قول خودش فشار توده ای به نظام وارد آورد، انتخابات را که در آن احساسات هواداران به اوج خود می‌رسد برای به صحنه آوردن مردم بهترین موقعیت تشخیص داد. ریاست محترم دادگاه

در ریشه یابی علل عملکرد ناهنجار و غیر قانونی حزب مشارکت و اعضای اصلی آن در حوادث اخیر و بررسی علت مقابله این حزب با نظام و مخالفت آنان با رای اکثریت مردم، در سیر مراحل تحقیقات پاره ای از اسناد کشف شده در منازل و دفاتر متهمان مورد بررسی قرار گرفت که این اسناد حاکی از انحرافات عمیق این حزب، نه تنها از اسلام و ارزشهای الهی، بلکه مخالفت صریح آن حزب با قانون اساسی و ارکان نظام اسلامی است. اسنادی که بعضاً در آن حتی خیانت به میهن برنامه ریزی شده و بصورت سند رسمی تحت عنوان تاملات راهبردی منتشر گردیده است.

در واکنش به برخی محتوای این اسناد که در ادامه نکاتی از آنرا به عرض می‌رسانم اکثر اعضای شورای مرکزی که مورد تحقیق قرار گرفته اند ابراز برائت یا ندامت نموده اند.

از جمله آقای سعید حجاریان عضو مرکزیت حزب مشارکت با قرائت هر کدام از جملات انحرافی اسناد توسط کارشناس پرونده، هنوز جمله به آخر نرسیده دلایل انحراف و غلط بودن متن را پیش از اظهار نظر کارشناس خود بازگو می‌کند. وقتی از او پرسیده می‌شود شما که با این وضوح انحرافات را می‌دانستید چرا تصحیح نکردید می‌گوید: "من همه این انحرافات را نقد کردم ولی به نقد من ترتیب اثر ندادند". حجاریان در واکنش به عبارت این سند مهم حزبی بخشهای زیادی از آنرا کاملاً مردود می‌شمارد و بعنوان نمونه چنین می‌نویسد، جمهوری اسلامی مشروعیت داشته و دارد، این که بگوییم هر زمان يك گرایش غالب بوده اشتباه است. اینکه ظرفیت نظام محدود است اشتباه است، اصطلاح دیکتاتوری لیبرال غلط است، توتالیتریسم در ایران منتفی است. الفاظی نظیر تمامیت خواه، توتالیتریسم و سلطانیسم برای ایران اشتباه است.

آقای حجاریان این تحلیل‌های غلط را غیر قابل انطباق با واقعیت‌های جمهوری اسلامی می‌خواند و می‌گوید این سند بیشتر با استفاده از دو کتاب آقای بشیریه نوشته شده و علوی تبار این نظریات را از آنجا گرفته است."

آقای حجاریان در این زمینه می‌گوید: "حسین بشیریه با پروفیسور جان کین مرتبط بوده و ملاقاتهایی داشته است و کتب زیادی درباره گذار به دموکراسی نوشته که به لحاظ محتوایی با اهداف بنیادسوروس هم‌نوایی دارد."

ریاست محترم دادگاه مستحضرند که آقای بشیریه يك فرد لائیک، آمریکا نشین و آقای علوی تبار از متهمان نمایش کنفرانس مستهجن برلین است و جان کین رابط سرویس اطلاعاتی جاسوسی انگلیس، و از هدایت کنندگان برنامه های کودتای مخملی است حال چگونه است، افراد تهر، سید، بك

حزب مدعی پیروی از بنیانگذار جمهوری اسلامی می شوند خود موضوعی در خور تأمل است. وقتی از آقای حجاریان پرسیده می شود چرا دیگران این سند را با این خطاها و انحرافات فاحش امضاء کردند؟ می گوید: "90% اعضای مرکزی اصلاً نمی دانند این متن چیست حتی یکبار هم نخوانده و به اعتماد دیگران امضاء کرده اند."

آقای صفائی فراهانی عضو دیگر مرکزیت حزب مشارکت و معاون دبیر کل حزب در جواب همین سؤال می گوید: "من عنصر سیاسی نیستم و اطلاعات سیاسی من حتی از متوسط هم ضعیف تر است. تخصص من امور اقتصادی است این متن را به اعتماد دیگران امضاء کردم."

ایشان در ادامه مراحل تحقیق نسبت به برخی از مفاد اسناد حزبی که خود آنرا امضاء کرده است، می گوید: "اگر این متن درست تایپ شده باشد از اساس با آن مخالفم" و در جای دیگر می گوید: "معنی این قسمت را نمی دانم و خودم هم وقتی این متن را در بازداشت قرائت کردم مراد از قوانین موضوعه را متوجه نشدم". آقای صفائی فراهانی سپس در پاسخ به سؤال علل و ریشه های انحراف حزب این موارد را بر می شمارد:

1. مطالعه کتب، مقالات درون سایت هاو استماع بحث هایی که از طریق شبکه های ماهواره ای پخش می شود.
 2. هزینه سالیانه میلیون ها دلار برای فعالیت های تبلیغی توسط کشورهای مثل آمریکا، انگلیس، هلند و ...
 3. احداث شبکه های فارسی رادیویی و تلویزیونی کشورهای فوق (بیش از سی شبکه) و بهره گیری از آن
 4. ارائه اسناد مجعول و بهره گیری از افرادی که قبلاً در ایران بودند، مثل سازگارا، گنجی و ... در این شبکه ها و سعی آنان در وارونه جلوه دادن ماهیت نظام.
 5. عدم برنامه ریزی مناسب در کشور به منظور خنثی کردن اقدامات شبکه های خارجی از طریق ارائه بحث هایی که جاذبه داشته باشد.
 6. تحصیل افراد در خارج از کشور و ارتباط این افراد، پس از تحصیل با اساتید خود و دسترسی به جزوات ارزیابی جدید آنان از شرایط کشور ما و متعاقب آن تأثیرپذیری.
 7. عدم اقناع افراد از اطلاعات و اخبار داخل کشور
 8. تماس و مراوده با اساتید خارج از کشور و دریافت گزارشهای اینترنتی دانشگاههای معتبر که بعضی از آنها برای بعضی از کشورها مثل ایران صفحه مخصوص ایجاد می کنند و آخرین تحلیل های خود را روی شبکه اینترنت می گذارند و برای کسانی که به زبان انگلیسی تسلط دارند، می تواند خیلی تأثیرگذار باشد چون مأخذ يك دانشگاه معتبر است و نویسنده و تحلیل گر يك فرد شناخته شده در سطح بین الملل، مضاف برآنکه این تحلیل ها مثل کتاب طولانی نیست و يك تجزیه و تحلیل دو یا سه صفحه ای است که به ظاهر تحلیل دانشگاه است ولی می تواند سیر فکری افراد را کامل تغییر دهد.
- آقای رمضانزاده قائم مقام حزب مشارکت در این زمینه ضمن ابراز براهت نسبت به بخشهای مهمی از مفاد سند راهبردی حزب، در مورد بعضی بخشهای سند مذکور اعلام می دارد: "این نظریه بنظر من کاملاً غلط است" و در جاهای متعدد در واکنش به اسناد حزب مشارکت می گوید: "چنین تحلیل هایی خلاف مرامنامه و بیانیه موسسان حزب است" و در جای دیگر با قرائت متن سند حزب با ناباوری می نویسد: "من این تحلیل حزب را قبول ندارم". نامبرده در جای دیگری می نویسد: "این تخلف صریح حزبی است و غیر قابل پذیرش و فاقد وجهت است" در واکنش به بخش دیگر از سند حزب مشارکت آقای رمضان زاده چنین می نویسد: "این تحلیل بسیار مغشوش ناچسب و غیر منطبق بر واقعیت است."

آقای امین زاده که بواسطه اشتغال در سمت هایی که مباین با عضویت در احزاب و گروههاست و از حزب استعفا داده است ولی عملاً درهسته مرکزی، نظریه پردازی کاملاً فعال بوده است. ضمن اعلام

برائت از بخشهای عمده ای از مفاد سند راهبردی حزب مشارکت و اظهار بی اطلاعی در پاسخ به این سؤال که گفته می شود بخشهایی از این سند توسط شما تنظیم شده در بازجویی های خودش آورده است:

"جزوه حاضر جزوه بسیار بدی است. مطالب در بخشهای اول با عباراتی بد و حساسیت آفرین، بدون رعایت حدود و شئون و گاه با لحن و بیانی گزنده و ناشایست نوشته شده است. بنظر من نویسندگان این حتی قادر نبودند چنین محتوایی را در مطبوعات منتشر نمایند. لذا بسیار عجیب است که آنرا بعنوان جزوه استراتژیک يك حزب قابل قبول دانسته اند در حالیکه به باور من حتماً يك حزب برای ادبیات چنین جزوه ای که قرار است مواضع رسمی حزب تلقی شود باید دقت و رعایت های خیلی بیشتر از يك مقاله مطبوعاتی در نگارش آن اعمال می کرد. ". "من واقعاً متأسفم که نوشته های اینجانب که معمولاً با رعایت نوشته می شود در کنار چنین مطالب و عباراتی قرار گرفته و بخشی از متنی است که بدلیل همین

بی توجهی ها متنی کاملاً حساسیت برانگیز و مساله آفرین شده است. "

آقای امین زاده در بخش دیگری چنین می نویسد:

"به عقیده اینجانب این شیوه عمل و تحلیل و بی دقتی هایی که در این جزوه نمود پیدا کرده است عملاً سوء تفاهم ها میان احزاب و مسئولین نظام را افزایش می دهد "، "چیزی که نه تنها راهکاری برای آینده حزب پیش رو نگذاشته بلکه باعث دشوارتر شدن شرایط فعالیت های آتی حزب هم می شود ".

ریاست محترم دادگاه

پرواضح است حزبی که راهبردش که با صرف وقت طولانی و همفکری اعضای مرکزی و متفکران آن حزب تدوین شده سراسر انحراف است به حدی که وفادارترین اعضای مرکزیت آن هم نسبت به محتوای آن اینگونه قضاوت می کنند و صادقانه این انحرافات شدید را رد می کنند. چنین حزبی صلاحیت های خود را برای ادامه فعالیت از دست می دهد. بویژه آنکه با به جریان انداختن عملیاتی کردن این راهبرد در حوادث اخیر، خسارات زیادی به کشور وارد کرده و متأسفانه اسناد و بیانیه های زیادی بر اساس همین تفکر صادر که در نتیجه مشکلات فراوان سیاسی و امنیتی ایجاد نموده است . یکی از اسناد مکشوفه از حزب مشارکت که مبنای اقدامات خلاف حزب مشارکت در حوادث اخیر بوده و تحت عنوان "سند تاملات راهبردی " منتشر و پس از تایید در شورای مرکزی در کنگره یازدهم حزب نیز مصوب شده حاوی عبارات و مفاهیمی ننگ آور و ضد ملی و ضد اسلامی است که بعید می دانم از زمان تاسیس احزاب قانونی در ایران تاکنون هیچ حزب قانونی چنین انحراف فاحش را در اسناد رسمی خود داشته باشد.

محتوای این سند که با حضور اعضای مرکزیت و برخی مشاوران نظریه پرداز حزب طی جلساتی مستمر تنظیم و تدوین شده ، به اندازه ای منحرف و مجرمانه است که تبیین انحرافات و تعارضات آن با اسلام، قانون اساسی، قوانین موضوعه و ارزشهای ملت ریشه ایران از حوصله این دادگاه خارج بوده و فرصتی مستقل می طلبد.

در اینجا با اجازه ریاست محترم دادگاه ، درحدی که برای استناد درخواست تقدیمی، لازم است چند جمله ای را به استحضار می رساند.

پیش نویس این سند که به امضای تعدادی از اعضا رسیده است و مفاد آن بسیار زشت و حاوی عباراتی ننگ آور می باشد در پرونده موجود است. اما از آنجا که این سند پیش نویس مورد تایید کل اعضا قرار نگرفته، در چارچوب پرونده مربوطه و افرادی که در تنظیم پیش نویس آن مشارکت داشته اند به استحضار دادگاه محترم خواهد رسید.

هر چند اصل تفکر سانسور نشده حزب مشارکت همان محتوایی است که در پیش نویس آمده است و متن نهایی مصوب کنگره چندین بار تعدیل شده تا از لحاظ حقوقی و هضم و پذیرش سایر اعضای

بامشکل مواجه نشود لکن به جهت رعایت جوانب حقوقی به قدر کفایت برای درخواست انحلال این حزب صرفاً به عباراتی کوتاه از سند نهایی بسنده می کنیم:

1. در بند الف 1 این سند در تحریف آشکار تاریخی، انقلاب اسلامی ایران را انقلاب ایران و بر خلاف نص قانون اساسی و در مقابل نقض آشکار با نظرات امام خمینی(ره) و ملت ایران که برای تحقق يك انقلاب مکتبی دهها هزار شهید تقدیم نموده اند، انقلاب جمهوریت در سازگاری با ارزشهای دینی و نه انقلاب اسلامی معرفی می کند.

2. در چند سطر بعد با تقبیح احترام نظام به آراء عموم مردم و در مخالفت به احترام به آراء عموم ملت در مقابل آراء خواص و احزاب قدرت طلب این احترام نظام به مردم که مرام امیر المومنین(ع) و سیره عملی امام خمینی (ره) بوده است را "تقدس بخشیدن به عامه مردم در مقابل نهادهای مدنی می خواند و با اهانت به آگاهی مردم شریف ایران حضور آنان در صحنه را "مشارکت توده وار و بسیج شده از بالا " نام می گذارد و مدعی می شود که پس از ارتحال امام خمینی(ره) "اندک سالاری" یا حاکمیت اقلیت بر اکثریت حاکم شده است و با کاربرد عبارت "یکه سالاری" مدعی می شود که کشور در حال سیر از "اندک سالاری" به "یکه سالاری" است.

3. در سراسر اسناد حزب ضمن تصریح به عدم وجود مردم سالاری در ایران موضوع گذار به دموکراسی مطرح است و شرایطی را که برای حرکت از يك نظام دیکتاتوری به نظام دموکراسی باید طی شود را مرحله بندی و پیشنهاد می نماید.

4. در بند الف 2 از همین سند حاکمیت ایران را توتالیتر، اقتدارگرای نظامی و سلطانی معرفی کرده و با قدری ارفاق به بخشی از جریان حاکمیت ایران به آن عنوان "دیکتاتوری لیبرال" داده است که کاربرد چنین نسبت هایی به نظام بر آمده از خون ده ها هزار شهید و صدها هزار جانباز و مسئولانی که با رای بالای مردم و با مشارکت های بی سابقه در جهان، بطور مستقیم و غیر مستقیم انتخابات گردیده اند ظالمانه می باشد.

5. حزب استراتژی خود را در بند الف 2 در سه مرحله مطرح می کند:

0 کوتاه مدت: مقابله با ساختار حقیقی(مسئولان موجود کشور و در دست گرفتن قدرت تحت عنوان گذار به مردم سالاری بیشتر.

0 میان مدت، تغییر ساختار حقوقی (قانون اساسی)

0 بلند مدت: مردم سالاری تمام عیار که منظور آنها حذف دین از مالکیت کشور است.

آقای رمضان زاده قائم مقام حزب مشارکت در بازجویی خود در خصوص منظور از مردم سالاری تمام عیار مورد نظر حزب چنین می نویسد: "من از مردم سالاری تمام عیار آن چیزی که می فهمم دموکراسی بی قید و شرط و یا حتی غیردینی است.

6. در بند الف 4 این سند حزب مشارکت گام اول مبارزه خود را ایجاد يك بخش مردم سالار در درون حاکمیت می خواند. صرفنظر از جفای بزرگ این حزب در کاربرد این عبارت که به معنی عدم وجود حتی يك بخش مردم سالار در درون حکومت در شرایط فعلی است موضع بدترازان اینست که رسیدن به امکان حضور مردم سالاران در بخشی از حکومت را مستلزم دگرگونی ارزشی و ایدئولوژیک نظام و یا يك اتفاق پیش بینی نشده می داند.

ریاست محترم دادگاه

استدعا دارم به عین عبارت توجه فرمائید:

"الزامات گام اول: ایجاد يك بخش مردم سالار در درون حاکمیت ممکن است در نتیجه فرآیند طولانی دگرگونی ارزشی و ایدئولوژیک و یا يك اتفاق پیش بینی نشده حاصل گردد. اما تداوم آن مستلزم تحقق پیش شرط های زیر است "

0 عدم التزام به قانون اساسی و ترویج حاکمیت دوگانه در اسناد رسمی (حاکمیت دو گانه)

0 حزب مشارکت که در اسناد و جلسات رسمی خود حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به دو بخش

دمکراتیک و غیردمکراتیک تقسیم می کند، صرفنظر از انحرافی بودن این نظریه که حاکی از عدم اعتقاد و عدم التزام این حزب به قانون اساسی است. این موضوع که حزب موفقیت خود در پیشبرد اهداف را نهادینه کردن اختلاف در نظام می داند و بر خلاف دستورات الهی و اسلامی و در تقابل صریح با سیره امام (ره) است که همیشه بر وحدت تاکید داشتند.

0 طراحی اختلاف و تفرقه افکنی میان اجزاء مختلف نظام

حزب اعتقاد خود در مورد راه پیشرفت مردمسالاری را در بند 1 الزامات گام اول راهبردی اینگونه بیان می کند:

تداوم حضور يك بخش مردمسالار در درون حاکمیت مشروط به اینست که:

"تفاوت معناداری از نظر مواضع و ارزشهای میان این بخش (از حاکمیت) با بخش غیر دمکراتیک حاکمیت وجود داشته باشد."

به عبارت دیگر حزب پیشرفت خود را مستلزم وجود اختلاف و آنهم نه اختلاف سلیقه بلکه اختلاف در ارزشها و مبانی میان ارکان نظام می داند.

0 ایده پردازی خشونت و درگیری دائمی میان مردم و نظام(فشار توده ای)

حزب مشارکت بجای وحدت مورد نظر امام خمینی(ره) تفرقه را ترویج می کند و به اختلافات اساسی بین بخشهای مختلف حاکمیت نیز اکتفا نکرده و شرط دیگر تداوم حضور خود در حاکمیت را رو در رو قراردادن مردم با ارکان نظام و رویارویی خیابانی مردم با نظام می داند عین عبارت سند حزبی اینست:

"بخش مردمسالار حاکمیت در بهره گیری از فشارهای توده ای برای رسیدن به سازش استقلال عمل قابل ملاحظه ای پیدا کند."

و این همان تئوری است که به اجرا گذاشتن آن آشوب های خیابانی و خساراتی را که پس از انتخابات شاهد آن بودیم بدنبال داشت. حوادث 18 تیر 1378 و تحصن مجلس سال 1382 و درگیریهای فراوان دیگر در دوره دولت هم پیمان این حزب، ریشه در همین تفکر داشت.

بدیهی است حزبی که اختلاف مبانی ارکان نظام و درگیر کردن مردم با نظام را تئوریزه می کند و رسماً در سند حزبی خود آنرا مکتوب می نماید و بجای نظریات وحدت بخش امام خمینی(ره) نظریه انگلیسی، تفرقه بیانداز و حکومت کن را سر مشق راهبرد خود قرار می دهد، استمرار وجود و فعالیت آن حزب همیشه منشاء درگیریها، ناآرامیها و تلخ-کامی ها برای ملت ایران و موجب خشنودی استعمارگران و دشمنان قسم خورده ملت ایران خواهد بود.

ریاست محترم دادگاه

آنچه به استحضار رسید گر چه برای تصمیم گیری در مورد توقف فعالیت این حزب کافی بنظر

می رسد لکن اجازه می خواهم دراین فرصت به چند مورد دیگر که در روشن شدن ماهیت انحرافی این حزب برای دادگاه محترم مفید خواهد بود اشاره مختصری داشته باشم.

0 تئوریزه کردن خیانت به ملت ایران

حزب مشارکت در يك اقدام عجیب و باورنکردنی موضع رسمی استراتژیک خود را که هیچ عنوانی جز خیانت به میهن عزیزمان ایران و باز کردن راه برای نفوذ و تسلط بیگانگان به آن نمی توان داد در بند 4 الزامات گام اول راهبرد اینگونه مکتوب می کند تا لکه ننگ ابدی برای همه کسانی باشد که به چنین نگرشی روی آورده اند.

" 4- بخش مردمسالار حاکمیت بتواند از بحرانهایی که کل سیستم را تهدید می کند به نفع تثبیت مردمسالاری و چانه زنی بیشتر استفاده نماید "

در طول تاریخ آنچه در هنجارهای حزبی و سیاسی در اغلب کشورهای جهان حاکم بوده و هست هنجار غالب اینست که هر گاه تمامیت نظام سیاسی کشور تهدید می شود یعنی شرایط جنگ و تجاوز بیگانگان، تهدیدات و تحریم های سنگین خارجی حوادث و بلایای سنگین طبیعی، کودتا و نظایر

آن احزاب مخالف و حتی معارض با یکدیگر متحد می‌شوند و اختلافات را کنار می‌گذارند و وحدت ملی را حفظ می‌کنند تا بحران رد شود و اختلافات را به شرایط بعد از بحران وا می‌گذارند. این نه تنها یک هنجار سیاسی بلکه یک واکنش طبیعی انسانی و فطری در هر انسان با وجدان است. هر گاه کانون خانواده‌های تهدید شود و مورد تجاوز واقع شود، اعضای یک خانواده اختلاف را کنار می‌گذارند و دعوای خود را به بعد بحران محول می‌کنند.

ولی حزب مشارکت معتقد است حتی وقتی در مسند قدرت باشد و بخشی از حکومت را در اختیار داشته باشد هم باید از فرصت تهدیدات خارجی علیه نظام برای حل مشکلات خود با بخش دیگر حاکمیت بهره‌گیری. چه رسد به اینکه حزب در قدرت نباشد که در این صورت وای به حال ملت و میهن. هر چند اغلب افراد مرکزیت حزب مشارکت از چنین عبارتی که در استراتژی حزب آمده است کتباً اظهار برائت کرده‌اند اما متأسفانه این نظریه خیانت‌آمیز صرفاً یک مفهوم نظری روی کاغذ نیست بلکه بارها توسط حزب به مرحله اجرا گذاشته شده است. آنچه در پی انتخابات رخ داد تنها یک نمونه کوچک از اجرایی شدن این نظریه است.

ریاست محترم دادگاه حصار گرامی

در جریان بحران هسته‌ای و فشارهای سنگین و تحریم‌های کشورهای سلطه‌گر و نهادهای استعماری بین‌المللی که همگی برای ایجاد بحران علیه ایران متحد شده بودند و مردم ایران یکپارچه شعار می‌دادند انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست و حفظ وحدت کلمه احزاب و گروهها در این مورد بگونه‌ای تحسین برانگیز طمع بیگانگان به هر گونه شکاف داخلی را بکلی قطع کرده بود و حتی بعضی از احزاب رسماً برانداز و ضد انقلاب نیز، برای جلب افکار عمومی و اثبات ایرانی بودن خودشان با این شعار ملت ایران همراهی می‌کردند تنها حزب مشارکت بود که ساز مخالف می‌زد و در صدد بود تا راهی برای نفوذ دشمنان سلطه‌گر باز کند و فضا را برای محروم شدن ملت ایران از حق مسلم انرژی هسته‌ای و به هدف رسیدن سلطه‌گران اجنبی باز کند تا شاید از طریق این فشار، امتیازی از نظام بگیرد یا در قبال این خوش خدمتی از بیگانگان جایزه‌ای دریافت کند.

هنگامی که مردم ایران با عزم ملی و حمایت از سیاست خارجی مبتنی بر اصول و ارزشهای انقلاب اسلامی، حق مسلم و مشروع خود را پیگیری می‌کردند و نظام سلطه و بازیگران سلطه‌گر از این اتحاد و انسجام ملی سخت به وحشت افتادند و با بازی نمایشی اجماع علیه ایران و لبه پرتگاه جنگ سعی نمودند ملت ایران را از اهداف خود منحرف سازند، در این میان حزب مشارکت به مثابه پایگاه تکرار کننده امواج جنگ روانی نظام سلطه علیه ملت ایران، همگام و همصدا با آنان این روند را تشدید کرد.

همنوایی حزب مشارکت با دشمن

سخنرانی‌ها، جلسات و رد و بدل کردن پیام‌های این حزب در آن شرایط خطیر از مردم پنهان نیست، لکن برای یادآوری و استناد دادگاه نمونه‌ای از آنرا باستحضار می‌رسانم:

در مورخ 27 اسفند 1384 در شرایطی که مردم هر روز برای انرژی هسته‌ای تظاهرات می‌کردند حزب مشارکت با تخطئه این تظاهرات مردمی در بیانیه‌ای اذعان می‌دارد:

"ما برای آینده کشور شدیداً بیمناک هستیم و خطر را جدی‌تر از آن می‌دانیم که با تبلیغات و استفاده از عرق ملی و تهییج احساسات پاک وطن دوستی بتوان بر آن فائق شد".

شرایطی که دشمن با چماق تهدید و زبان زور و تخریب سعی می‌کرد نظام جمهوری اسلامی را از دنبال کردن خواسته به حق خود در موضوع هسته‌ای منصرف سازد. این حزب نیز هم‌نوا با دشمنان زورگو خواستار انفعال ایران در برابر سلطه‌گران بین‌المللی گردید.

حزب مشارکت در بیانیه مذکور دستیابی به انرژی هسته‌ای در ایران را آرزویی غیر قابل تحقق می‌داند و تصریح می‌کند: "نگرانی ما را بر آن می‌دارد تا مسئولین کشور خود را بخواهیم تا بیش از آنکه به

آرمان گرایی های غیر قابل تحقق بیاندیشند به فکر چاره ای برای رفع آلام باشند ".
واضح است که این حزب قبل از آنکه نگران سرنوشت کشور و منافع ملی باشد، نگران به خطر افتادن منافع قدرتهای استکباری است که این چنین با دشمن همراه و همگام می گردد تا مانع از دستیابی نظام و مردم به اهداف ملی و حق مسلم خود شود.
حزب مشارکت در بیانیه موصوف پیش بینی کرده بود که در صورت تداوم روند فعلی بزودی شاهد آن خواهیم بود که توقف دائمی فعالیت های هسته ای حتی در مقیاس کوچک بین المللی بر کشور تحمیل خواهد شد، خواستار تسلیم در برابر زیاده خواهی قدرتهای سلطه گر می گردد.
این در حالی است که استقامت و پایداری دولت و هوشیاری مردم پیش بینی های مرعوب کننده این حزب و تحلیل های غلط آنان را به درستی آشکار و ماهیت وابسته آن را نمایان ساخت.
مواضع ضد ملی و ضد مردمی این حزب در مسئله انرژی هسته ای تا جایی بالا می گیرد که دبیر کل آن آقای محسن میردامادی که رئیس وقت کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ششم نیز بوده خواستار تسلیم سریع ایران در مقابل غرب می شود و در سخنانی که در مطبوعات مهرماه 82 درج شد ابراز می دارد:
"شرایط بین المللی در حال حاضر به گونه ای است که اگر ما آن را نپذیریم فشارهای بین المللی بر ما بطور جدی افزایش می یابد ."

درخواست کولایی برای امضای بدون قید و شرط پروتکل الحاقی
عضو دیگر مرکزیت حزب مشارکت خانم الهه کولایی در ... شهریور ماه 82 طی مقاله ای در روزنامه شرق تسلیم به خواسته سلطه گران بین الملل مبنی بر امضای بدون قید و شرط پروتکل الحاقی را خواستار می شود و آنرا زمینه ساز ادامه فرایند اصلاحات در داخل به مفهوم دمکراتیزه کردن اقتصاد، سیاست و اجتماع می خواند "که این تعبیر نامبرده دقیقاً عینیت دادن به نظریه خیانت بار مکتوب شده در سند راهبرد حزب است.

اوج خیانت به ملت ایران در موضوع انرژی هسته ای
اوج خیانت به ملت ایران در موضوع انرژی هسته ای در سخنان آقای احمد شیرزاد عضو برجسته مرکزیت حزب در جلسه 376 مجلس ششم بروز می یابد و در شرایطی که آمریکا و رژیم صهیونیستی مستاصل از برخورد با ایران هسته ای، اقدامات خود برای متقاعد کردن سایر کشورها به همراهی در صدور قطعنامه علیه ایران را شکست خورده می دیدند. شیرزاد طی نطقی که مشروح آن در روزنامه های رسمی کشور به چاپ رسیده تلاش می کند تا مدرک معتبری مستند به اظهارات رسمی يك نماینده مجلس ایران در جلسه مجلس در اختیار دشمنان ملت ایران قرار دهد و راه را برای تصویب قطعنامه های بیشتر آمریکایی علیه ایران هموار سازد بخش کوچکی از اظهارات شرم آور نامبرده به این شرح است:

"می توان این تبلیغات را به رسانه های صهیونیستی نسبت داد. می توان مثل همیشه آنها را توطئه های استکبار جهانی دانست و داد از مظلومیت جمهوری اسلامی ایران زد. می توان کماکان خود را محور خوبی های جهان پنداشت و تمام اظهارات را به دشمن منسوب کرد. اما يك نکته بسیار ساده در این میان وجود دارد آنها سرخ ها، دم خروس ها و مدرک و مستندات از ما دارند که آنها را در ادعاهایشان محق جلوه می دهد... آن زمان که ساده لوحانه سرخود را به زیر برف کردند - پروژه های بلند پروازانه بی هدف طراحی کردند. نامعقول ترین و نامتعارف ترین شیوه را برای دستیابی به فناوری هسته ای برگزیدند و فکر نکردند که آنچه می کنند، روزی در معرض دید و بررسی متخصصان جهانی قرار می گیرد. آن روز که سایت عظیم پنجاه هزار متری طراحی کردند تا در چند متر مربع از يك گوشه آن چند دستگاه کوچک نصب کنند، فکر نکردند که اگر از این چاه آب فناوری استراتژیک در نیاید نان

تبلیغات استنکباری در خواهد آمد. آری در آن روز باید روزی را می دیدند که علیه ما تیتراژ شود؛ جمهوری اسلامی نوزده سال دروغ گفت."

پیش از آن نیز در همین راستا؛ حزب مشارکت پس از تصویب قطعنامه های شورای حکام و آژانس، علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران با انتشار بیانیه هایی رسماً مواضع ضد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را اتخاذ نموده بود و در بیانیه ای ضمن اینکه خواستار عمل به مفاد قطعنامه و پذیرش بدون قید و شرط پروتکل الحاقی از سوی ایران گردید. به گونه ای اظهار نظر کرده بود که گویی اتهامزنی غرب مبنی بر تلاش ایران برای دستیابی به سلاح اتمی واقعیت دارد. این مواضع که در روزنامه شرق مورخ 17/2/82 اعلام شد، جهت استحضار دادگاه محترم به این شرح قرائت می شود:

"حزب مشارکت ضمن آنکه استفاده صلح آمیز از دانش و فناوری هسته ای را حق به رسمیت شناخته شده جهانی برای ایران می داند از نگاه برخی افراد- گروهها و نهادها به استراتژی بازدارندگی انتقاد می کند و آن را کاملاً در تضاد با مولفه های امنیت ملی کشور می داند و در عین حال بازدارندگی سیاسی را بهترین شیوه دفاعی ایران در مقابله با تهدیدات خارجی می داند."

تضعیف دستگاه دیپلماسی ایران

حزب در دیگر بیانیه های صادره از جمله مورخ 26/6/82 به تضعیف دستگاه دیپلماسی ایران پرداخته و ضمن برجسته‌نمایی شکاف میان مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران تعیین روند تصمیم‌گیری‌ها را خواستار می شود.

در ادامه؛ حزب مشارکت طرحی سه فوریتی آماده ساخته تا نظام را به پذیرش قطعنامه شورای حکام ملزم سازد. مطلبی که روزنامه شرق مورخ 8/6/82 در گزارش از فراکسیون حزب مشارکت مجلس ششم بخش‌هایی از آن را فاش ساخت به این شرح است:

"یکی از محورهای اصلی این جلسه به اعتراض اکثریت نمایندگان حاضر در جلسه به فرصت‌هایی از دست رفته اختصاص داشت... عده زیادی از نمایندگان دوم‌خردادی معتقدند که مجلس باید با تصویب قانون، دولت را ملزم به پذیرش پروتکل الحاقی نماید."

جناب رئیس؛

این موضوع که یکی از وزرای خارجه سه کشور اروپایی عضو مذاکرات (5+1) در هنگام مذاکره با هیات ایرانی مطرح کرده بود که؛ "اگر شما هم تن به پذیرش قطعنامه ندهید ما خبر داریم که مجلس شما با یک طرح سه فوریتی شما را ملزم به چنین کاری خواهد کرد". مصداق بارزی از اجرا کردن نظریه استراتژیک حزب مبنی بر استفاده از بحران‌هایی که کل سیستم سیاسی را تهدید می کند برای تثبیت موقعیت خویش و از مصادیق بارز خیانت‌های انجام شده در حق ملت ایران است.

ابطحی: اصلاح طلبان حاضر به ظالمانه ترین تقاضاهای غرب بودند

ریاست محترم دادگاه:

موضوع دل‌دادن به حمایت بیگانگان و امتیاز دادن به دشمنان ملت ایران برای تسویه حساب‌های داخلی به جفای حزب مشارکت در موضوع انرژی هسته‌ای محدود نمی شود.

عملکرد دبیر کل حزب مشارکت آقای محسن میردامادی در دوره تصدی ریاست کمیسیون امنیت ملی مجلس ششم نمونه دیگری از این عملکرد خائنانه است. در این مورد محمد علی ابطحی رئیس دفتر و معاون پارلمانی وقت رئیس‌جمهور در بازجویی‌های خود چنین می نویسد:

"بی‌هویتی اصلاح طلبان در سیاست خارجی شاخص ترین وجه و بارزترین خصوصیت آنها بود. از هیچ دریوزگی برای جا انداختن خود در برابر غرب فروگذار نمی کردند. غریبها اگر ظالمانه ترین تقاضاها را هم داشتند حاضر به انجام آن بودند و بدتر اینکه در مواردی پیش‌بینی می کردند که غرب چه خواسته‌ای می‌طلبد پیشاپیش آنها خود را هماهنگ نشان می‌دادند. اوج این قضایا در مجلس ششم بود.

کمیسیون سیاست خارجی گویا جزئی از وزرات خارجه غرب بود که یکسره وزارت خارجه بی‌بند و بار آن روز را هم مورد ملامت قرار می‌داد و بقول آقای کروبی که یکبار می‌گفت که اعضای کمیسیون خارجی مجلس با هر هیئتی که صحبت می‌کنند در مورد خوبی روابط با آمریکا حرف می‌زنند، حتی اگر آن کشور خودش ضد آمریکایی باشد. "

تماس های ذیلانہ میردامادی

آقای محمد علی ابطحي دراین نوشته می‌افزاید:

"آقای احمد عزیزی سفیر ایران در آلمان می‌گفت در سفر رسمی برخی اعضاء پارلمان ایران که آقای میردامادی رئیس آن بود به قدری ذیلانہ و طوری علیه مسئولان کشور مثل رهبری حرف می‌زدند و بحث انتخابی و انتصابی را مطرح می‌کردند که من در نوشتن گزارش جلسه دچار مشکل شده بودم. "

انکار واقعیت 30 ساله مردمسالاری در ایران

حزب مشارکت با نادیده گرفتن واقعیت درخشان 30 ساله مردمسالاری در ایران تازه می‌خواهد در گام دوم استراتژی خود ظرفیت های مناسب برای گذار به مردمسالاری را مشخص کند. در بند 1 گام دوم الزامات آمده است:

"مشخص کردن ظرفیت های این بخش انتخابی حاکمیت برای گذار به مردمسالاری و آماده کردن طرحهایی برای تحقق بخشیدن به این ظرفیت ها "

مخالفت حزب مشارکت با احکام شریعت

ریاست محترم دادگاه؛

بخش اعظم آنچه بعنوان سند استراتژی حزب مشارکت منتشر شده چنان عبارات موهن و بی پایه است که فرصت پرداختن به آن در این مجال نیست، اما اجازه می‌خواهم عبارت مهم دیگری را که می‌تواند مستند تصمیمات دادگاه در این زمینه باشد باستحضار برسانم. در بند 6 راهبرد حزب مشارکت در يك موضع عجیب و ضد دینی آمده است:

"حزب با همیشگی کردن "قوانین موضوعه " به بهانه مبتنی بودن آنها بر احکام شریعت مخالف است. "

این موضع حزب مشارکت به شکل آشکار در صدد مخدوش نمودن حاکمیت احکام شرع در شئون کشور اسلامی است. مگر جبهه ملی منحل که در سال 1360 امام (ره) فرمودند: "امروز جبهه ملی مرتد است "جز این گفته بود؟

همانگونه که مستحضرید تنها سندی که امام(ره) برای اعلام ارتداد جبهه ملی به آن استناد نمودند عبارتی شبیه همین موضع حزب مشارکت بود.

اگر این عبارت و آنچه در این مختصر از بخشهایی از سند راهبردی حزب مشارکت به آن استناد شد مقاله ای از يك نفر یا يك سخنرانی یا گزارشی در مطبوعات بود، می‌شد احتمال داد در شرایط خاص احساسی یا روانی نوشته شده است اما وقتی جمع متفکران يك حزب در يك دوره طولانی، جلسات و مباحثات و با کمک گرفتن همفکران غیرحزبی خود، به چنین جمعبندی سراسر انحرافی رسیده اند و آنرا در يك فضای متعارف به تصویب جمع بزرگ کنگره خود رسانده اند چه توجیهی می‌توان برای آن پیدا کرد؟

عقاید انحرافی حزب مشارکت ریشه آشوب ها

ریاست محترم دادگاه؛

ما در صدد مجازات افراد یا گروهها، صرفاً به استناد انحرافات فکری آنان نیستیم و اگر به این مستندات برای برخورد قانونی اشاره می کنیم بدان سبب است که همین اندیشه های ناصواب، در میدان عمل به جریان افتاده و خسارات سنگینی را به ملت ایران وارد کرده و در حقیقت ریشه بسیاری از حوادث تلخ سالهای گذشته و آشوبهای اخیر در کشور همین عقاید انحرافی است.

اسناد درون گروهی حزب مشارکت

متأسفانه اسناد درون گروهی حزب مشارکت واقعیت های تلخی را روشن می سازد. در جلسه کمیسیون تدوین استراتژی حزب که در تاریخ 19 تیر ماه 1387 تشکیل گردید پس از بیان مدل های مختلف برای در دست گرفتن قدرت، آقای حجاریان با اشاره به مدل "جین شارپ" برای کودتای مخملی با تاکید بر فشار از پائین و استفاده توده ای، آنرا اینگونه تبیین می کند:

"این راه که یعنی جلوی پارک ملت و اینطور جاها شلوغی راه بیفتد و کم کم از این گوشه و آن گوشه شروع بشود و یک کارگر بشود رهبر برود با رژیم چانه بزند."

آقای تاج زاده ضمن برشماری مدل های در دست گرفتن قدرت در کشور می گوید:

"راه چهارم هم سلاح آمریکاست و انقلاب مخملی که من موافق راه چهارم هستم، تئوری جین شارپ و براندازی نرم خارجی و اینها هم در همین راه چهارم است"

محمد رضا خاتمی می گوید:

"در عین اینکه پشتوانه داخلی را حساب می کنیم پشتوانه خارجی را هم حساب کنیم"

تاج زاده می گوید:

"این همان مدل چهارم است، مدلی که در برخی از کشور ها بصورت مخملی اتفاق افتاد و دو تا کار می کنند یعنی اینکه شما در جامعه چطوری NGO بزنید و دوم اینکه آمریکا چه کمکهایی برای گسترش روند دمکراسی خواهد کرد."

میر دامادی می خواست انقلاب مخملی را بومی کند

دبیر کل حزب آقای میر دامادی در این جلسه می گوید:

"فقط قرار شد انقلاب مخملی را که می خواهیم صحبت کنیم آنرا بومی کنیم."

متأسفانه این حزب مرعوب نسبت به آمریکا در توهمی ای است که انقلاب اسلامی در معرض سقوط توسط آمریکاست و اگر دیر بجنبند فرصت حضور در حکومت کودتای آمریکایی را از دست می دهد.

نتیجه این تفکرات توهم آلود اینست که حزب مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از هر فرصتی برای پیشی گرفتن در راه اندازی کودتای مخملین علیه نظام مردمی جمهوری اسلامی ایران از همه قوا استفاده می کنند و نمونه آن حوادث تلخ انتخابات اخیر است.

فریده ماشینی: باید روی قلبی که نشده تاکید شود

بر اساس مستندات حزب مشارکت در جلسه روز بعد از انتخابات اخیر رئیس کمیسیون زنان حزب بنام فریده ماشینی می گوید: "الان بعضی از بچه های خودمان این ذهنیت را دارند که شاید اصلاً قلبی صورت نگرفته باشد، ولی قلب باید تاکید شود."

محسن میردامادی در ادامه اظهار می دارد:

"وارد مصادیق قلب نخواهیم شد. در این تردیدی نیست که نتیجه که اعلام شده واقعی نیست"

زهره آغاجری در این زمینه بیان می دارد:

"شوری که ایجاد کردیم خود موسوی ایجاد نکرده، جوانانی که الان دارند بیرون کتک می خورند، مسئولشان ما هستیم چون همه را ما آوردیم و ما آنها را وارد صحنه کردیم. ما باید کار عملی کنیم،

فراتر از بیانیه و دیدگاه اصلی، حکومت داری را از امروز بیان کنیم."

جلایبی پور می گوید:

"باید کارهای پشت پرده مان خیلی بیشتر از روی پرده باشد."

آقای صفائی فراهانی در تحریک دیگران به اقداماتی فراتر از بیانیه، خطاب به اعضای شورای مرکزی می گوید:

"آن بچه ای که امروز دارد در خیابان چوب می خورد، آن بچه ای که تیر خورده مقصرش من هستم، شما هستید. آن بچه ها که سیاسی نیستند. شما که دور این میز نشستید اید سیاسی هستید، شما ها آنها را تحریک کردید راه بیافتند."

رمضان زاده: انتخابات در مسیر قانونی و درست انجام شد
ریاست محترم دادگاه؛

اینها اقرار متهمان در بازجویی نیست که کسی بخواهد به هر بهانه ای در آن تشکیک کند، آنچه تا کنون به استحضار دادگاه محترم رسید غالباً مستند به مدارک حزبی قبل از دستگیری آنها است که اسناد آن به دادگاه تقدیم گردیده. اسنادی که به وضوح نشان می دهد ذهنیت تقلب، ساخته و پرداخته احزاب و گروهکهای شکست خورده در جلب آراء مردم بوده است و آنان بودند که با برنامه ریزی حساب شده و غیر اخلاقی این دروغ را اشاعه داده اند و تحریک هواداران به درگیری و مقصر آشوبها و کشته ها و زخمی ها بنابه اقرار خودشان در جلسات درون گروهی همین احزاب و گروهها هستند که به طمع تحمیل اراده خود به نظام و پیمان کردن حقوق و آراء اکثریت مردم ایران برای نشستن بر کرسی قدرت با سوء استفاده از احساسات برخی هواداران حزبی یا انتخاباتی به مرحله اجرا گذاشته شده است.

آقای رمضان زاده قائم مقام حزب مشارکت در اقرار خود می نویسد:

"هر گونه به مسئله انتخابات نگاه می کنم به این نتیجه می رسم که انتخابات در مسیر قانونی و درست انجام شده و پذیرش آن برای همه تکلیف قانونی است، نباید در آن شبهه ایجاد کرد."

بخاطر تحلیل غلط از مردم عذرخواهی کنیم

همچنین نامبرده می نویسد:

"به هیچ وجه شرایط ایران قابل قیاس با کشورهای که در آن انقلاب رنگین رخ داده نیست و حضور گسترده مردم در انتخابات اخیر نشانه عملی اعتماد به نتیجه مشارکت سیاسی در کشور پس از 30 سال است. ما باید بخاطر تحلیل غلط از مردم عذرخواهی کنیم، چون قبلاً به مردم گفتیم اگر مشارکت حداکثری شود، ما پیروزیم، ولی حالا که مشارکت حداکثری شد ما پیروز نشدیم، بنابر این تحلیل ما اشتباه بود و از این بابت باید عذرخواهی کنم."

ریاست محترم دادگاه؛

هر چند درک حقیقت و عذرخواهی و بازگشت به راه راست هیچ گاه دیر نیست و اصلاح مواضع در هر زمان و شرایطی موجب تکامل است اما نه این عذرخواهی و نه مجازات خاطیانی که پرونده آنان تقدیم گردیده است نمی تواند خسارات سنگین وارده به ملت را جبران و یا از حوادث سوء مشابه در آینده پیشگیری کند.

پیشگیری از وقوع جرم از وظایف پیش بینی شده قوه قضائیه در قانون اساسی است، فلذا من باب اجرای این وظیفه اجازه می خواهم نکاتی را که ضمن مداخلت در پیشگیری و تنبه عموم، در روشن تر شدن ابعاد قضیه جهت صدور رای مناسب از سوی دادگاه محترم نیز موثر است را به استحضار برسانم.

چرا افرادی که بسیاری از آنها روزی خود افراد مسئول در دستگاههای امنیتی، اطلاعاتی و اجرایی بوده اند و با تجاربی که دارند حتی بدون تحقیق و بر اساس تجارب خود و اشراف بر امور انتخاباتی

یقین دارند تقلبی درانتخابات صورت نگرفته است و حتی انرا، مکرراً در جلساتشان می گویند بخود اجازه می دهند، یک ادعای دروغین و ساختگی را در بوقها بدمند و هواداران خود را احساسی کرده به خیابانها بریزند؟ و حاضر می شوند برای تسلط بر اریکه قدرت جان ها و اموال و حیثیت افراد و مهمتر از آن حیثیت ملی را در معرض خطر قرار دهند؟

اسناد حزبی انحرافی و بیانیه ها و اعلامیه های کاملاً ساختار شکنانه و ضد انقلابی چگونه در چنین حزبی تصویب می شود؟ غفلت از تزکیه و خودسازی و دوری از معنویات همه مسأله نیست. از جمله عوامل موثر در این انحرافات خودباختگی فرهنگی و مرعوب شدن در مقابل غرب و روابط مفصل و تنگاتنگ با قدرتهای غربی و پذیرش بی چون و چرای اندیشه های وارداتی لیبرالیسم است. ریاست محترم دادگاه؛

آغوش این حزب برای پذیرش بی چون و چرای اندیشه های وارداتی و استعماری به حدی باز است که غریبه ای تازه وارد از آمریکا براحتی در بالاترین سطوح حزب نفوذ و القانات بسیار موثری بر مرکزیت حزب دارد.

تاجزاده و زمینه سازی برای سخنرانی نماینده بنیاد سوروس در ایران

بنیاد سوروس از نهادهای پوشششی سازمان سیا برای مداخله در کشورها، که چند کودتای مخملی موفق و شکست خورده را تابحال راه اندازی کرده است برای جنابعالی و مردم ناشناخته نیست. مشاور ارشد یا به عبارتی نماینده این بنیاد در ایران فردی است به نام یحیی کیان تاجبخش، که از متهمان حاضر در دادگاه است. ایشان فرزند کارمند دفتر فرح دیبا همسر شاه معدوم بوده و از کودکی در انگلستان و سپس در آمریکا بزرگ شده پس از ورود به ایران توسط آقای مصطفی تاج زاده به دفتر ایشان در وزارت کشور دعوت می شود وی می گوید:

"وقتی برای سخنرانی به دفتر آقای تاج زاده دعوت شدم چون هنوز تازه به ایران آمده بودم و فارسی خوب نمی دانستم فکر کردم برای شنیدن سخنرانی دعوت شده ام نه برای انجام سخنرانی، بدون آمادگی به آن جلسه رفتم، 10-12 نفر از مدیران وزارت کشور هم آمدند، آقای تاج زاده مرا بالا نشانند و از من خواست سخنرانی کنم. من با تعجب مجبور شدم سخنرانی کوتاهی داشته باشم. با کمال تعجب دیدم آقای تاج زاده و سایر مدیران با سرعت و دقت همه سخنرانی مرا یادداشت می کنند، از آقای تاج زاده پرسیدم چرا اینقدر یادداشت از صحبت من بر می دارید، ایشان گفت فردا همین سخنان شما را خیلی بهتر در جایی سخنرانی دارم مطرح می کنم."

*سعید حجاریان: به واسطه ناصر هادیان با نماینده بنیاد سوروس آشنا شدم

سعید حجاریان دیگر متهم این جریان در خصوص نحوه ارتباط با موسسه سوروس می گوید: "به واسطه آقای ناصر هادیان استاد دانشکده حقوق دانشگاه تهران با نماینده بنیاد سوروس (کیان تاج بخش) آشنا و دو مرحله نیز با وی ملاقات نمودم." حجاریان می افزاید در دیدارهای به عمل آمده قرار بود سازمانهای غیر دولتی را در ایران فعال کنیم و نیز یکی از اهدافمان قدرتمند نمودن جامعه مدنی بود و قرار بود از تجارب بنیاد سوروس در جهت انقلاب رنگی استفاده نمائیم. وی همچنین می افزاید: "در جلسه اول آقای تاج بخش کتاب پانام را به من داد و من پس از تورق احساس کردم که جای آن در کتب درسی دانشگاهی خالی است و از او خواستم که آن را ترجمه نماید تا از آن در دروس دانشگاهی استفاده نمائیم در جلسه بعد هم قصد مطالعه در خصوص سرمایه اجتماعی در ایران را داشت که مقدمات آن را فراهم کردیم."

رفت و آمد گسترده بعضی اعضای مرکزی حزب به آمریکا و اقامت مستمر در آنجا، شرکت فراوان این اعضا در کنفرانس های بین المللی تدارک دیده شده توسط موسسات پوشششی سازمان سیا در کشورهای مختلف، حضور نظریه پردازان کودتای مخملی و تحریک کنندگان تعارضات ملت ها با دولت ها

نظير جان کين انگليسي مشهور به وابستگي به دستگاه جاسوسي انگليس و هابرمارس در ايران و ملاقات با بعضي اعضاي مركزي حزب مشاركت و القائات فكري به آنان در کنار ضعف هاي اساسي در علوم انساني دانشگاهها كه غالباً متكي به اسناد ترجمه شده وارداتي است. احزابي مانند مشاركت و مجاهدين انقلاب را به بطور كامل از آبشخورهاي زلال اعتقادي و منابع اصلي اسلامي بریده و از این احزاب مجموعه هاي بسيار آسیب پذیر ساخته است كه مي توان با كوچكترين تغيير آنرا به جهات خطرناك سوق داد.

*حجاریان و مذاکره با جان کین برای انقلاب مخملي در ایران

آقای سعید حجاریان عضو مركزيت حزب مشاركت در پاسخ به این سؤال كه تردد جان کين به ايران و ملاقات با برخي احزاب در راستاي جامعه مدني چه توجیهي دارد پاسخ مي دهد: "قطعاً پروژه دموكراتيزه كردن ايران به سبك غربي است. اينطور فكر مي كنند كه تكنيك هاي انقلاب رنگي كه در بعضي جاها كارگر افتاده در ايران نيز قابل پياده شدن است."

در پاسخ به سؤال ديگر مبني بر اينكه آیا از تئوريهاي جان کين در راستاي انقلاب رنگين اطلاع داريد آقای حجاریان پاسخ داد:

"جان کين فقط درباره فاز اول اين پروژه با من صحبت كرد كه همان جامعه مدني و تقويت نهادهاي آن است اينكه كسي كه سي سال در ايران نبوده است و بيشتر از ايراني بودن يك آمريكايي بوده است، يكباره به عنوان مشاور ارشد يك بنياد استعماري از راه مي رسد و در عاليترين سطح يك حزب رسوخ فكري مي كند مسئله كوچكي نيست.

البته افراد مركزيت حزب مشاركت نيز مانند هر ايراني در انتخاب فكر و اندیشه و دنباله روي از هر مكتب آزاد هستند، ولي اينكه حزب و جرياني مدعي پيروي كامل از اندیشه هاي امام(ره) باشد و عدهاي را با همين ادعا جذب كند ولي در يك تناقض آشكار اندیشه خود را از جرياناتي كاملاً معارض فكر و اندیشه امام(ره) مانند بنياد سوروس يا بشيريه بگيرد نوعي فريبكاري و اغواگري قابل پيگرد است.

آيا مي شود مرتباً با انتقاد از مسئولان عالي نظام، آه و افسوس كشيدن بخاطر دور شدن آنان از مرام امام(ره) ناله سرداد، آنگاه زمام فكر خود را به آقای کين تاجبخش كه كوچكترين تناسب و تقارني با اندیشه امام خميني(ره) ندارد سپرد؟

رياست محترم دادگاه؛

آقای تاجبخش چند روز پيش به كارشناس پرونده خود اظهار مي دارد من تا به حال كلمه الله را بر زبانم جاري نكرده بودم و از گفتن اين كلمه احساس عجيبي براي من دست مي دهد، آنگاه با ابراز علاقه از بازجوي خود طهارت و نماز مي آموزد و بحمد الله اينك از روي كاغذ نمازش را مي خواند، چگونه اعضاي مركزيت حزبي كه ادعاي فرهيختگي دارند القائات فكري و ايدئولوژيك فرد ناآشنا با همه مباني و ارزشهاي اسلامي و يا فرد ديگري را كه قبلاً نام برده شد مي پذيرند، ولي در مقابل پذيرش افكار برجسته ترين دانشمندان اسلامي كه در ابعاد بين الملل شناخته شده اند، شديداً مقاومت مي كنند و به جاي اينكه خط مشي خود را از رهبران ملي خود فراگيرند به چنين افرادي متمسك مي شوند. همين نوع انحرافات و واگرابي نسبت به اندیشه خودي و وابستگي به فكر غربي وارداتي، منشاء خطاهاي جبران ناپذير ميداني و فرار گرفتن ظرفيت هاي قابل اعتناء نخبگان در مقابل همه اصالت هاي نظام و زمينه ساز شكل گيري آشوب ها و تمردهاست.

سطح نشست و برخاستهاي مفصل و بيش از اندازه سران حزبي با سفرا و نمايندگان كشورهاي بيگانه كه پيش از اين در تاريخ احزاب مستقل ايران به هيچ وجه مرسوم نبوده است، و تماس هاي گسترده عناصر مرموز و وابسته به سرويس هاي اطلاعاتي بيگانه، باعناصر مهم وتشكيلاتي اين

احزاب با استنادات کافی مشهود است.

ریاست محترم دادگاه؛

از دیگر علل انحراف حزب مشارکت ارتباط پیوسته و مستمر عناصر اصلی و تاثیر گذار حزب با جریان منحرف و آمریکایی نهضت آزادی و خط گیری و تاثیر پذیری حزب از این جریان منحرف است.

احزاب و تشکلهای موجود در جهان غالباً هدفی متعالی را برای خود برمی گزینند اما متأسفانه حزب مشارکت در سند رسمی و کتبی خود در موضعی عجیب هدف همه اقدامات و اندیشه های خود را دستیابی به قدرت عنوان می کند. متن سند اینچنین است : "اقداماتی که يك حزب انجام می دهد و تاملات و اندیشه هایی که قبل و بعد از هر اقدام می کند همگی با این هدف صورت می گیرند که امکان و زمینه دستیابی به قدرت ، سهیم شدن در آن و تاثیر گذاری نظام یافته برآن را فراهم آورند ."

این نظریه و هدف گذاری که نه تنها هیچ سنخیتی با يك تشکل اسلامی ندارد بلکه حتی با هدف تشکل سوسیالیستی و لیبرالیستی هم مغایر است. بیشتر ماهر از اندیشه ماکیاوولی است و رسیدن به قدرت که در همه تشکل های تعالی گرا تنها وسیله محسوب می شود. برای حزب مشارکت هدف است و این واقعیت تنها در این جمله سند حزبی خلاصه نمی شود که تصور کنیم اشتباهی رخ داده است بلکه بخش اعظم مباحث درونی حزبی و ترجیح بند مباحث اغلب جلسات مرکزیت حزب، چگونگی رسیدن به قدرت است نتیجه این تفکر جز در گیری و تنش دائمی چیز دیگری نیست.

ضمناً گزیده ای از بیانیه ها و اطلاعیه های صادره از سوی حزب مشارکت که در آن به وضوح القای جعل و تقلب در انتخابات و تشویق و تحریک به آشوب و بلوا و ایجاد فتنه، مطرح گردیده است را به عنوان نمونه به استحضار می رساند.

بیانیه مورخ 25/3/88 جبهه مشارکت

"جبهه مشارکت انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری تماماً مخدوش و غیرقابل دفاع است و خواستار ابطال انتخابات شده اند. "

بیانیه مورخ 27/4/88 جبهه مشارکت

"مردم انتظاری جزء این ندارند که مشروعیت دولت برآورده از تقلب در ارکان نظام به رسمیت شناخته نشود. "

بیانیه مورخ 25/3/88 جبهه مشارکت

"جبهه مشارکت انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری تماماً مخدوش و غیرقابل دفاع است و خواستار ابطال انتخابات است. "

بیانیه مورخ 14/5/88 جبهه مشارکت

"نظام جمهوری اسلامی در آستانه ورود به دهه چهارم عمرش عملکردهایی را از خود به نمایش گذاشته است که نه تنها هیچ غرابتی با این ارزشهای الهی و اخلاقی ندارد بلکه فقط به رفتار حکومت طاغوتی استبدادی شهبات دارد. "

فلذا از دادگاه محترم استدعا دارم برای انحلال این تشکل تنش آفرین و مخل امنیت کشور اقدام لازم مبذول گردد. همچنین از کمیسیون ماده 10 قانون فعالیت احزاب مصوب سال 1360 درخواست می گردد با عنایت به ارتکاب موارد مصرحه در ماده 16 قانون صدرالذکر، مطابق بند 4 ماده 17 قانون مزبور عمل نمایند.

ریاست محترم دادگاه

اما در مورد سازمان مجاهدین انقلاب هم با توجه به مبانی مشترک فراوان با حزب مشارکت و حتی اعضای مشترک مرکزیت و ائتلاف در حوادث اخیر اکثر آنچه در مقدمه رفت و به ویژه آنچه مربوط به انتخابات گفته شد عیناً برای سازمان مجاهدین نیز مدخلیت دارد لکن برای تکمیل عرایض و ذکر ویژگیهای خاص این جریان بحران آفرین در حوادث اخیر، لازم می دانم با کسب اجازه از محضر ریاست

محترم دادگاه نجاتی را اضافه بر آنچه هفته شد به عرض برسانم :

الف) نقش سازمان مجاهدین در تشویش اذهان عمومی و تشکیک در سلامت انتخابات سازمان مجاهدین طی چند سال اخیر سلامت، تمامی انتخابات کشور، را که در آنها ناکام ماندند مورد تردید قرار داده لکن به دلیل اهمیت و اصالت دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در این پرونده ابتدا به مواضع فتنه‌انگیز این سازمان در انتخابات مذکور اشاره می‌گردد. سپس مصادیقی از رفتار مشابه در انتخاباتهای گذشته ذکر خواهد شد.

الف/1) در بیانیه موسوم به بیانیه اعلام حمایت سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران از نامزدی مهندس میرحسین موسوی در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری که در مورخ 21/1/88 منتشر گردید سازمان مجاهدین همسو با ضد انقلاب و دشمنان صریحا و با قطعیت اما بدون ارائه سند و مدرکی، سلامت انتخابات ریاست جمهوری دهم را پیشاپیش نفی می‌کند که تا این لحظه قادر به اثبات ادعای خود نبوده است. در بخشی از این بیانیه آمده است: "دیگر تقریبا اعتمادی به آمارهای انتخابات از جمعیت واجد حق رأی گرفته تا آراء شرکت کنندگان و تا آراء کاندیداها وجود ندارد. "

در بیانیه دیگری تحت عنوان "هشدار مجاهدین انقلاب نسبت به خرید رأی در انتخابات ریاست جمهوری دهم که در مورخ 28/2/88 منتشر و آن را سومین بیانیه انتخاباتی خود عنوان نموده است نویسندگان بیانیه در تطبیقی ناصواب سعی نموده اند انتخابات را بعد از رحلت امام(ره) فرمایشی و مشابه انتخابات زمان ستم شاهی القاء نمایند. در این رابطه بیانیه مذکور چنین اشعار می‌دارد: "نقش حاکمیت ستم شاهی در برپایی انتخابات نمایشی و تهیه فهرست‌هایی از اسامی نامزدهای موردنظر و ابلاغ آن به مجریان انتخابات نیز به عنوان عامل مهم دیگری در مسخ و بلاموضوع شدن انتخابات واقعی و آزاد غیرقابل انکار است که نهایتا با تمسک مجریان به رأی سازی های متقلبانه و دخل و تصرفهای غیرقانونی، نوعا منجر به بیرون آمدن نام همان افراد از صندوق ها و تشکیل مجالس فرمایشی می‌شد. "

بلافاصله در ادامه تصریح می‌گردد: "در سالهای پس از رحلت امام، در کنار تلاش برخی جریانهای سیاسی برای محدود کردن قدرت انتخاب مردم وتبدیل انتخابات به انتخاباتی دو درجه ای که در آن گروهی خود را محق می‌دانند قبل از مردم، فهرست داوطلبان را براساس معیارها و سلیق فردی و جناحی غربال کنند و با کمال تأسف باید اذعان نمود این تلاش در برخی از ادوار اخیر منجر به ایجاد انحراف در مسیر تحقق انتخابات واقعی در کشور شده است. "

بیانیه مورخ 24/3/88 به مناسبت نتایج انتخابات ریاست جمهوری دهم سند دیگری است که نقش این سازمان را در بحران سازی و تشویش اذهان با هدف تشکیک در سلامت انتخابات و مخدوش نمودن مشروعیت نظام نشان می‌دهد. در بخشی از این بیانیه آمده است: "آنچه در این انتخابات رخ داده علاوه بر تقلبات و تخلفات گسترده و بی سابقه در صندوق های رأی، سوء استفاده حداکثری از تمامی امکانات و فرصت های در اختیار برای مهندسی آراء و رأی سازی بود. "

ریاست محترم دادگاه

وقتی در بازجویی ها از اعضاء سازمان مجاهدین سؤال گردید که شما طبق چه مستندات قاطعانه به بروز تقلب در انتخابات حکم نمودید، مسئولیت را متوجه ستاد آقای میرحسین موسوی و کمیته صیانت از آراء می‌نمایند و خود هیچ سندی ارائه نمی‌کنند. اعضاء سازمان بدون توجه به عواقب ناشی از این دروغ پردازی ها که خسارات جانی و مالی فراوانی در پی داشت مدعی هستند تنها نظر خود را ابراز نموده اند و به راحتی از زیر بار مسئولیت کشته شدن عده ای که با اعتماد به سازمان و دیگر احزاب همسو و تحت تأثیر القائنات ایشان دست به اقدامات مجرمانه زدند که در دادگاه های قبلی به گوشه ای از آن اشاره شد، شانه خالی می‌کنند. هر چند که نهایتا وقتی با سؤال های منطقی روبه‌رو شده و پاسخی نمی‌یابند به این جمله اکتفا می‌کنند که ما سندی دال بر تقلب نداشتیم و باید به حکم قانون التزام عملی داشته باشیم .

حکم صادره در تاریخ ۱۳۸۸/۰۳/۲۴ در خصوص آقایان: ...

همچنین سازمان مجاهدین با صدور اطلاعیه ای درخصوص دستگیری بهراد نبوی در مورخ ۲۰/۵/۰۵ همونوا با ضد انقلاب و دشمنان خارجی و شبکه هایی مانند BBC فارسی و VOA (صداي آمریکا) انتخابات را رسوا اعلام می دارد و چنین می گوید: "در پی انتخابات رسوای اخیر که در محافل سیاسی داخل و خارجی از آن به عنوان کودتای نرم علیه مردمسالاری و جمهوریت در ایران یاد می کنند، اقتدارگرایان حاکم در اقدامی وقیحانه در سطح وسیعی اقدام به دستگیری فعالان سیاسی منتقد و مخالف دولت کرده اند."

در ادامه نویسنده بیانیه می افزاید: "بی شک موج دستگیری فعالان سیاسی خطای بزرگ دیگری در ادامه بدعت و خطای مصادره آراء مردم در انتخابات رسوای دهم است."

سازمان مجاهدین طبق روال از ادبیات ابهام آلود و مغرضانه ای در بیانیه های خود استفاده می نماید که کل حاکمیت را نشانه گرفته است. در همین رابطه در بیانیه مذکور و دیگر بیانیه ها کرارا از عبارت "اقتدارگرایان حاکم" استفاده شده که ذیلا به نمونه ای از آن اشاره می گردد: "ما به اقتدارگرایان حاکم هشدار می دهیم به خود آیند و برای حفظ قدرت و تحقق امیال حقیر خود سرنوشت نظام و ملت ایران را به بازی نگیرند."

سازمان مجاهدین هیچگاه مصادیقی برای اقتدارگرایان حاکم نام نبرده و با این عبارت مبهم و کلی قصد تشویش اذهان عمومی را داشتیم و همچنان به مشی گذشته اصرار می ورزد که صدور بیانیه های زنجیره ای و تکرار تقلب در انتخابات موید این مدعاست.

ریاست محترم دادگاه

این سازمان از بدو تأسیس رفتاری دوگانه از خود نشان داده به گونه ای که از سویی مدعی خط امام و مجاهدت در راه اسلام و انقلاب است و از دیگر سو عملکردی متضاد با خط امام، انقلاب و اسلام دارد که سرفصل هایی در مقدمه ذکر گردید. اینک برخی از این موارد مستنداً توضیح داده می شود.

1- تضعیف ارکان نظام

سازمان مجاهدین همسو با دشمنان انقلاب در تضعیف ارکان نظام مقدس جمهوری اسلامی نقش محوری داشته است که در ذیل به نمونه هایی اشاره می گردد.

* انتشار نامه های زنجیره ای سرگشاده به مقام معظم رهبری با هدف تضعیف جایگاه رفیع ولایت و به چالش کشیدن اصل ولایت فقیه به ویژه با محوریت آقای بهراد نبوی تا جایی که در یکی از نامه های مذکور معروف به نامه جام زهر که تعداد 127 نفر از فعالان سیاسی از جمله اعضاء سازمان آن را امضاء نموده اند وقیحانه از رهبر معظم انقلاب خواسته می شود تا مانند امام جام زهر بنوشد.

* طبق گزارش های موثق منابع اطلاعاتی از جلسات محفلی اعضاء اصلی سازمان سخن از تمرکز حملات روی ولایت فقیه به میان می آید اما در آشکار با استفاده از عبارات مبهم بروز می یابد عباراتی مانند اقتدارگرایان حاکم، محدود و پاسخگو کردن قدرت، یکه سالاری، استبداد طلب و...

* رأی گیری در شاخه اصفهان مبنی بر تحویل مسئولین نظام به ویژه رهبری به آمریکا به بهانه جلوگیری از حمله نظامی آمریکا به ایران

2- حمله به شورای نگهبان

یکی از اقدامات ثابت سازمان به ویژه در ایام انتخابات حمله به شورای نگهبان و ایراد افتراء و تهمت مبنی بر اعمال گرایشات حزبی در تأیید یا ردصلاحیت ها بدون ارائه سند و مدرکی مستدل می باشد.

3- حمله به دیگر نهادهای انقلابی

یکی دیگر از رویه های دائمی سازمان مجاهدین حمله به نهادهای انقلابی از جمله سپاه و بسیج می باشد که باز هم بدون ارائه مدرکی این نهادهای مقدس را متهم به دخالت در انتخابات می نماید و با استفاده از عبارت حزب پادگانی اذهان عمومی را نسبت به مشروعیت و سلامت انتخابات و جایگاه والای نهادهای مذکور مشوش می سازد.

ب) مستمسک سازی برای دستان

ریاست محترم داگاه بررسی عملکرد سازمان و برخی از اعضاء اصلی آن از جمله آقای بهزاد نبوی نشان می دهد که هرگاه دشمنان نیاز به بهانه ای برای تخطئه نظام مقدس جمهوری اسلامی داشته اند از جمله گروه هایی که این خواسته دشمن را عملی کردند سازمان می باشد. در همین رابطه می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- * طرح مذاکره و برقراری ارتباط با آمریکایی ها بدون اجازه از هیچ کس توسط آقای بهزاد نبوی، این اقدام با هدف ابراز مخالفت های جدی با اصول نظام از درون حاکمیت صورت گرفت.
- * مخالفت با ادامه غنی سازی اورانیوم با تکرار ادعای بیگانگان مبنی بر بیشتر بودن هزینه آن از فایده آن توسط آقای بهزاد نبوی
- * پیشنهاد ائتلاف با طالبان هنگام حمله آمریکا به افغانستان بعد از حوادث 11 سپتامبر
- * صحه گذاشتن بر ادعای دشمنان مبنی بر نقض حقوق بشر در ایران
- * عادی سازی و قبح زدایی از حمایت و دخالت بیگانگان در رقابت های انتخاباتی داخلی
- * القاء وجود استبداد در ایران
- * تیرئه دشمن نسبت به عملکرد خصمانه آن با ادعای اینکه عده ای در داخل دشمنان را تحریک می کنند.

ج) حمله به مقدسات و مبانی اعتقادی شیعه

یکی دیگر از شاخصه های سازمان مجاهدین تخطئه ارزشهای دینی و مبانی اعتقادی شیعه است که مهمترین نمونه آن اهانت هاشم آعاجری به مرجعیت، روحانیت و مردم مذهبی در سخنرانی جنجال برانگیزش در شهر همدان می باشد که بسیاری از علماء و فعالان سیاسی خوشنام و با سابقه این سازمان را سازمانی منحرف و نفاق آلود دانسته که قصد انحراف جوانان را دارد. از جمله مهمترین واکنش ها می توان به نامه تاریخی مرحوم آیت الله مشکینی اشاره نمود که این سازمان را نامشروع خواندند.

همچنین شهید لاجوردی پیش از آن این سازمان را منافق و خطرناک تر از منافقین معروف به سرکردگی مسعود رجوی دانست و نسبت به خیانت های آنان هشدار داد. در تأیید تحلیل کسانی که این سازمان را جریان نفاق، خطرناک می دانسته اند در اینجا به نمونه ای اشاره می شود.

آقای نبوی در اصلاح قطعنامه پایانی کنگره دوازدهم که به قلم آقای آرمین تقریر شده در هامش بیانیه خطاب به آرمین می نویسد.

"برادر آرمین، با سلام اولاً صفحات اول خیلی لحن اپوزیسیونی دارد، همه این حرفها را همراه با دفاع از انقلاب، امام و ... می توان زد. "

جمله فوق کاملاً گویای ماهیت نفاق آلود این جریان است که با نقاب خط امام و انقلاب و ... قصد فریب مردم و توطئه چینی بر علیه انقلاب اسلامی و کشور است.

ضمناً گزیده ای از بیانیه ها و اطلاعیه های صادره از سوی سازمان مجاهدین انقلاب که در آن به وضوح القای جعل و تقلب در انتخابات و تشویق و تحریک به آشوب و بلوا و ایجاد فتنه، مطرح گردیده است را به عنوان نمونه به استحضار می رساند.

بیانیه مورخ 26/3/88 سازمان مجاهدین انقلاب

"ما ضمن حمایت مجدد جناب آقای میرحسین موسوی و تقدیر و تشکر از ایستادگی و تلاش مجدانه ایشان برای صیانت از آراء ملت و تجدید انتخابات از مردم بزرگ ایران می خواهیم اعتراضات و تحرکات خود را براساس اصول و محورهایی که ایشان در اطلاعیه های خویش اعلام کرده اند سامان دهند. "

بیانیه مورخ 24/3/88 سازمان مجاهدین انقلاب

"در نتیجه این انتخابات نه تنها از نظر میزان مشارکت بلکه از نظر گستردگی و انواع تقلبات در تاریخ

ایران کم نظیر و بلکه بی نظیر است. "

ایران سمر سعید و بنت- بی سعید است.

بیانیه مورخ 31/3/88 سازمان مجاهدین انقلاب

"سازمان مجدداً تأکید می کند دولت برآمده از انتخاباتی که صحت و سلامت آن از سوی بخش عظیمی از ملت ایران مخدوش و مردود اعلام شده و بر موج گسترده اعمال خشونت علیه شهروندان شکل می گیرد فاقد وجاهت قانونی است. "

بیانیه مورخ 9/4/88 سازمان مجاهدین انقلاب

"دولت برآمده از انتخاباتی که ملت صحت آن را نپذیرفته و بر ابطال آن پای می فشارد ، فاقد مشروعیت و وجاهت قانونی است. "

ریاست محترم دادگاه

با توجه به پر حجم بودن مصادیق و مستندات ، بخشی از آن به ضمیمه ادعانامه تقدیم می گردد تا وقت جلسه دادگاه بیش از این به ذکر مصادیق کلی گرفته نشود.

مع الوصف با توجه به عملکرد اعضاء سازمان به ویژه از زمان تأسیس سازمان دوم که بدون تردید

نمی توان آن را در خط امام (ره) و انقلاب اسلامی ارزیابی نمود مطابق با مرامنامه سازمان بند ج تبصره 3 که آمده است؛ هرگونه تغییر و انحراف از ماهیت اسلامی و اصل سازمانی به منزله خیانت به بنیانگذاران سازمان بوده و خود به خود موجب انحلال سازمان می گردد. بنابراین درخواست انحلال این سازمان و محاکمه اعضاء آن به ویژه در مورد تحریک به آشوب در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری که منجر به وارد آمدن خسارات جانی و مالی به مردم شریف ایران گردید را مطابق مقررات قانون مجازات اسلامی در خصوص اشخاص حقیقی و اعمال مقررات مواد 16 و 17 قانون فعالیت احزاب مصوب سال 1360 را دارم.

همچنین کیفرخواست اعلیحده انفرادی هریک از متهمین حاضر در جلسه با ذکر نوع اتهامات و دلایل و مستندات قانونی تقدیم گردید که در نوبت اعلامی به استحضار دادگاه محترم می رسد. %

والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته

سعید مرتضوی

دادستان عمومی و انقلاب تهران

انتهای پیام/ك